



Presenting a Model for the Role of the Iranian Commodity Exchange in Organizing Foreign Trade with an Emphasis on the Role of Free and Special Economic Zones

Mahdi Kamali^{a,*}, Salman Sotoudehnia Kerani^b, and Asadollah Pourmahmoudi^c

a. Department of Economics, Qe.c., Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

b. Department of Economics, Ae.c., Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

c. Department of Financial Management, Qe.c., Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

* Corresponding author.

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Article History: Received: 12 Dec. 2025 Revised: 25 April 2026 Accepted: 02 June 2026 Published: 28 June 2026</p> <p>Keywords: <i>Commodity Exchange, Foreign Trade, Free Zones, Mixed Methods, Special Economic Zones.</i></p> <p>JEL Classification: <i>F10, F21, G10, O16, R11.</i></p>	<p>This study aims to provide an integrated model to explain the role of the Iran Commodity Exchange (IME) in organizing foreign trade, emphasizing Free and Special Economic Zones. The research employed a sequential exploratory mixed-methods approach (qualitative-quantitative). In the qualitative phase, data were collected through semi-structured interviews with 15 key stakeholder experts (managers from the Commodity Exchange, foreign trade sectors, and Free Zones) and analyzed using thematic analysis. In the quantitative phase, data were gathered using a researcher-made questionnaire developed from the qualitative findings and analyzed by integrating Structural Equation Modeling (SEM) and the Analytic Hierarchy Process (AHP). The final model was designed and validated across five dimensions and twelve components. AHP results indicated that the components of "information transparency" (weight: 0.49) and "infrastructure development" (weight: 0.23) held the highest priority. The analyses revealed that the Commodity Exchange's role in this model is primarily played by creating a platform for integrating and facilitating the realization of these key requirements. The results indicate that strengthening the Commodity Exchange's role in organizing foreign trade through intelligent coordination with Free Zones requires an immediate focus on enhancing information transparency and developing integrated infrastructure. The success of this model depends on addressing institutional challenges (legal, customs-related, inter-organizational coordination) and redefining the role of the Exchange's export trading ring as a facilitating platform.</p>

Cite to this paper: Kamali, M., Sotoudehnia Karani, S., & Pour Mahmoudi, A. (2025). Presenting a model for the role of the Iranian Commodity Exchange in organizing foreign trade with emphasis on the role of free and special economic zones. *Journal of Economic Research*, 61(2), 199-232.



©The Authors retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jte.2026.407536.1009049>







انتشارات دانشگاه تهران

تحقیقات اقتصادی

شاپا الکترونیکی: ۶۱۱۸-۲۵۸۸

Homepage: <https://jte.ut.ac.ir>

ارائه مدلی برای نقش بورس کالای ایران در ساماندهی بازرگانی خارجی با تأکید بر نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

مهدی کمالی^{۱*}  ، سلمان ستوده نیا کرانی^۲ ، و اسدالله پورمحمودی^۳ 

۱. گروه اقتصاد، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. گروه اقتصاد، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

۳. گروه مدیریت مالی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

* نویسنده مسئول.

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۰۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷</p> <p>کلیدواژه‌ها: بازرگانی خارجی، بورس کالا، روش آمیخته، مناطق آزاد، مناطق ویژه اقتصادی.</p> <p>طبقه‌بندی JEL: F10, F21, G10, O16, R11.</p>	<p>هدف این پژوهش، ارائه مدلی یکپارچه برای تبیین نقش بورس کالای ایران در ساماندهی بازرگانی خارجی با تأکید بر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی است. تحقیق با رویکرد آمیخته اکتشافی متوالی (کیفی-کمی) انجام شد. در مرحله کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ خبره از ذینفعان کلیدی (مدیران بورس کالا، بازرگانی خارجی و مناطق آزاد) گردآوری و با استفاده از تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل شد. در مرحله کمی، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر یافته‌های کیفی، داده‌ها گردآوری و با تلفیق مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) تحلیل شدند. مدل نهایی در پنج بعد و دوازده مؤلفه طراحی و اعتبارسنجی گردید. نتایج AHP نشان داد مؤلفه‌های شفافیت اطلاعات (با وزن ۰/۴۹) و توسعه زیرساخت‌ها (با وزن ۰/۲۳) بالاترین اولویت را دارند. تحلیل‌ها نشان داد نقش بورس کالا در این مدل، عمدتاً از طریق ایجاد بستری برای یکپارچه‌سازی و تسهیل تحقق الزامات کلیدی ایفا می‌شود. نتایج نشان می‌دهد تقویت نقش بورس کالا در ساماندهی بازرگانی خارجی از طریق هماهنگی هوشمند با مناطق آزاد، مستلزم تمرکز فوری بر شفاف‌سازی اطلاعات و توسعه زیرساخت‌های یکپارچه است. موفقیت این مدل وابسته به رفع چالش‌های نهادی (قانونی، گمرکی، هماهنگی بین‌دستگاهی) و بازتعریف نقش رینگ صادراتی بورس کالا به عنوان یک پلتفرم تسهیل‌گر است.</p>

کمالی، مهدی، ستوده‌نیا کرانی، سلمان، و پورمحمودی، اسدالله. (۱۴۰۵). ارائه مدلی برای نقش بورس کالای ایران در ساماندهی بازرگانی خارجی با تأکید بر نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی. *تحقیقات اقتصادی*، ۱۹۹ (۲)، ۲۳۲ - ۲۳۳.



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jte.2026.407536.1009049>

مقدمه

امروزه مناطق آزاد به عنوان پدیده‌ای فراگیر و ابزاری برای تحقق استراتژی‌های توسعه برون‌گرا با تأکید بر سیاست توسعه صادرات مورد توجه قرار گرفته‌اند (دلیماتسیس، ۲۰۲۱). به طوری که اکثر کشورهای در حال توسعه، به احداث یک یا چند منطقه آزاد مبادرت کرده‌اند. هدف از ایجاد این مناطق، فراهم کردن شرایط مناسب به منظور افزایش تولید و صدور کالاهای صنعتی از طریق جذب سرمایه‌های خارجی، ایجاد اشتغال، کسب درآمد ارزی، افزایش درآمد حاصل از توریسم، تأمین مواد اولیه و قطعات مورد نیاز صنایع، برقراری پیوندهای صنعتی با داخل کشور، رشد رفاه اقتصادی و مادی مردم مناطق و سپس منافع ملی است (چان، ۲۰۲۰).

با وجود پتانسیل‌های بالا، مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در عمل با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. عواملی نظیر نوسانات فراوان در قیمت کالاها و ریسک قیمتی حاصل از آن، مشکلات موجود در نحوه قیمت‌گذاری محصولات، عدم وجود امنیت در مبادلات و نگهداری محصول و عدم توجه کافی به تحولات بازار از جمله موانع پیش روی توسعه تجاری این مناطق به شمار می‌روند. علاوه بر این، پراکندگی تولیدکنندگان و عدم وجود امکانات حمل‌ونقل یکپارچه نیز بر پیچیدگی این چالش‌ها می‌افزاید.

مناطق آزاد در ایران بر اساس تبصره ۱۹ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی، با اهدافی مانند تسریع در اجرای امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال، سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات کالاها ایجاد شد. در آن زمان، امکان حذف محدودیت‌های فراوانی که در سال‌های نخست انقلاب و دوران جنگ، بر اقتصاد ایران تحمیل شده بود، به آسانی و یک‌باره وجود نداشت. بنابراین، برای رفع محدودیت‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه صادرات، شکل‌گیری مناطق آزاد مورد توجه مسئولان قرار گرفت. با این حال، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که عملکرد این مناطق در دستیابی به اهداف مذکور با چالش‌هایی از جمله عدم نگرش صحیح به نقش مناطق، نحوه تأمین مالی آن‌ها، عدم حمایت کافی و ضعف در مدیریت روبه‌رو بوده است.

بر مبنای نتایج تحقیقات، نوسان‌های قیمت محصولات در ایران می‌تواند پیش‌بین‌نشده و مخرب باشد و برای کاهش این نوسانات باید از ابزاری مناسب استفاده نمود. یکی از راهکارهای

مناسب جهت بهبود ساختار بازار کالاها در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، ایجاد و تقویت بورس کالا است. بورس کالا یک بازار سازمان‌یافته برای مبادله قراردادهای مبتنی بر کالا است که تحویل فیزیکی در آن بر اساس استانداردها و قراردادهای آتی انجام می‌گیرد. از این منظر، بازار بورس به لحاظ ساختاری نزدیک به بازار رقابتی کامل است که در آن تعداد زیادی از خریداران و فروشندگان به معامله می‌پردازند. از مزایای تشکیل چنین بازاری می‌توان به بهبود شرایط عرضه و تقاضا، ایجاد رقابت، توسعه استانداردسازی، شفاف‌سازی اطلاعات، بهبود بازاریابی، انتقال ریسک و ایجاد امنیت در معاملات اشاره نمود. باید دقت نمود که با وجود چنین منافعی، ایجاد بازار بورس برای برخی کالاها ممکن است به دلایلی مانند مداخلات دولتی، از کارایی لازم برخوردار نباشد. در این زمینه می‌توان گفت تنها کالاهایی که شرایط لازم و جذابیت کافی را دارا هستند، برای مبادله در بازارهای سازمان‌یافته مناسب می‌باشند. بر این اساس، انتظار می‌رود به دنبال ایجاد و تقویت بورس کالا در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، تغییرات مثبتی در مقدار عرضه و تقاضا و همچنین در میزان و نحوه تجارت خارجی این مناطق حاصل گردد. در این راستا هدف این مطالعه ارائه مدلی برای ساماندهی بازرگانی خارجی مبتنی بر بورس کالای ایران با تأکید بر نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی می‌باشد.

اگرچه آمارها نشان می‌دهد عمده صادرات غیرنفتی ایران از مناطق غیرآزاد صورت می‌پذیرد، اما این پژوهش با منطقی متفاوت و با توجه به ویژگی‌های ذاتی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی طراحی شده است. این مناطق به دلیل برخورداری از مزیت‌های خاص قانونی (معافیت‌های مالیاتی، مقررات ساده‌تر گمرکی، امکان مالکیت خارجی) و زیرساخت‌های متمرکز تجاری-صنعتی، به عنوان آزمایشگاه‌های پیشرو برای اجرای سیاست‌های نوین تجاری و مالی عمل می‌کنند. بنابراین، تمرکز پژوهش حاضر بر این مناطق نه به دلیل سهم کنونی آنان در صادرات، بلکه به دلیل پتانسیل بالای آنان به عنوان موتور محرک و الگوی توسعه‌ای برای کل اقتصاد ایران است. موفقیت مدل پیشنهادی در این مناطق می‌تواند اثر نمایشی [۱۸] ایجاد کند و راه را برای تعمیم آن به سایر مناطق کشور هموار سازد. از این رو، بررسی نقش بورس کالا در ساماندهی بازرگانی خارجی در ابتدا در مناطق آزاد از روایی و پایایی علمی برخوردار است.

بر این اساس، انتظار می‌رود به دنبال ایجاد و تقویت بورس کالا در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، تغییرات مثبتی در مقدار عرضه و تقاضا و همچنین در میزان و نحوه تجارت خارجی این مناطق حاصل گردد. بر این اساس، هدف اصلی این مطالعه، ارائه یک مدل یکپارچه برای ساماندهی بازرگانی خارجی مبتنی بر بورس کالای ایران با تأکید بر نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی است. نوآوری این پژوهش در پر کردن خلأ پژوهشی موجود از طریق طراحی و اعتبارسنجی مدلی ساختاری-سلسله‌مراتبی است که برای اولین بار تعامل نظام‌مند این دو نهاد را تبیین می‌کند. به کارگیری طرح آمیخته اکتشافی متوالی (کیفی-کمی) و تلفیق روش‌های تحلیل مضمون، مدل‌سازی معادلات ساختاری و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی، امکان ارائه الگویی بومی، کاربردی و مبتنی بر داده‌های میدانی و دیدگاه خبرگان را فراهم ساخته است. مدل نهایی می‌تواند به عنوان نقشه‌راهی برای تصمیم‌گیری‌های سیاستی و اجرایی در حوزه تجارت خارجی مورد استفاده قرار گیرد.

مبانی نظری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی مدلی یکپارچه برای تبیین نقش بورس کالای ایران در ساماندهی بازرگانی خارجی با تأکید بر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این نقش را نمی‌توان در قالبی خطی و تک‌عاملی خلاصه کرد؛ بلکه مدل نهایی پژوهش در قالب پنج بُعد اصلی شامل ساماندهی بازرگانی خارجی، جذب سرمایه، شفافیت بازار، گسترش روابط تجاری و انگیزش تولید و دوازده مؤلفه فرعی، چارچوبی نظام‌مند برای درک تعامل دوسویه بورس کالا و مناطق آزاد ارائه می‌دهد. دستاورد محوری این مطالعه، بازتعریف نقش بورس کالا از یک محرک مستقیم صادراتی به بستر نهادی یکپارچه‌ساز و تسهیل‌گر است. در این چارچوب، بورس کالا نه به‌عنوان بازیگری موازی، بلکه به‌مثابه سامانه عصبی اطلاعاتی عمل می‌کند که از طریق استانداردسازی، کشف شفاف قیمت، تضمین معاملات و اتصال به زیرساخت‌های گمرکی و لجستیکی، امکان تحقق کارآمد الزامات کلان تجاری را در بستر مناطق آزاد فراهم می‌سازد.

نتایج تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) با اولویت قاطع شفافیت اطلاعات (۴۹ درصد) و اولویت بعدی توسعه زیرساخت‌ها (۲۳ درصد)، یک دلالت سیاستی راهبردی را آشکار می‌سازد: مزیت رقابتی اصلی مدل پیشنهادی، فناوری‌محور و نرم‌افزاری است، نه صرفاً سخت‌افزاری. این یافته با ادبیات نوین اقتصاد دیجیتال که داده را به‌عنوان دارایی کلیدی معرفی می‌کند، همسو است و نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران و فعالان تجاری، شفافیت در محیط نهادی موجود را حتی مهم‌تر از توسعه محیط فیزیکی جدید می‌دانند. از این رو، اقدامات فوری نظیر راه‌اندازی سامانه یکپارچه اطلاعاتی و شفافیت قیمت‌ها می‌تواند حتی پیش از تکمیل پروژه‌های عمرانی بزرگ، اعتماد و جریان سرمایه اولیه را ایجاد کند. اولویت متوسط اصلاح قوانین (۱۲ درصد) نیز مؤید چالش نهادی بنیادینی است که مانع اصلی هم‌افزایی بورس و مناطق آزاد محسوب می‌شود. بر این اساس، پیشنهادهای سیاستی این پژوهش در قالب سه اقدام فوری قابل دسته‌بندی است: نخست، تشکیل کارگروه مشترک هم‌افزایی بورس و مناطق آزاد با محوریت راه‌اندازی سامانه شفاف اطلاعات و معاملات یکپارچه؛ دوم، بازنگری فوری در قوانین و بخشنامه‌های متعارض برای ایجاد پنجره واحد مقرراتی؛ و سوم، اجرای پایلوت مدل با انتخاب یک کالای راهبردی در یک منطقه آزاد پیشرو مانند چابهار.

این پژوهش از منظر نظری، با تلفیق چارچوب اقتصاد نهادگرا و نظریه کارایی بازار، الگویی زمینه‌محور و بومی برای تبیین تعامل دو نهاد متفاوت بازارمحور (بورس) و حکومت‌محور (مناطق آزاد) ارائه می‌دهد. یافته‌ها ضمن همسویی با پژوهش‌های بین‌المللی نظیر چنگ (۲۰۱۹) در خصوص لزوم فناوری و زیرساخت در مناطق ویژه اقتصادی، و تأیید هشدار چیس و جی (۲۰۲۰) درباره ریسک‌های نهادی، گامی فراتر از مطالعات داخلی برمی‌دارد. در حالی که پژوهش‌هایی مانند شیرینی و تقی‌زاده (۱۳۹۶) صرفاً بر رابطه مثبت معاملات بورس و صادرات تأکید داشتند، مدل حاضر مکانیسم این ارتباط را از طریق یکپارچه‌سازی با مناطق آزاد و ساختار درونی پنج‌بعدی آن تشریح می‌کند. همچنین، مطالعاتی نظیر ابراهیمی و لطفی (۱۳۹۶) که بر مدیریت هوشمند مناطق آزاد تأکید داشتند، توسط این پژوهش با ارائه یک ابزار عملیاتی مشخص (مدل یکپارچه بورس- منطقه آزاد) پاسخ داده می‌شود. بنابراین، مهم‌ترین خلأ پژوهشی شناسایی شده در پیشینه یعنی نبود مدل یکپارچه برای تعامل نظام‌مند بورس کالا و مناطق آزاد توسط این مطالعه پر شده است.

کاربست مؤثر مدل ارائه شده در بافت اقتصاد ایران، بدون شناخت واقع‌بینانه موانع نهادی امکان‌پذیر نیست. یافته‌های این پژوهش چهار دسته چالش اساسی را شناسایی کرده است: نخست، تضاد یا تعارض مقررات میان قوانین حاکم بر مناطق آزاد و آیین‌نامه‌های بورس کالا، به‌ویژه در حوزه ارز و قیمت‌گذاری؛ دوم، تعدد دستگاه‌های تصمیم‌گیر (وزارت صمت، گمرک، بانک مرکزی، سازمان بورس و مناطق آزاد) و فقدان سازوکار حکمرانی یکپارچه؛ سوم، پیچیدگی‌های گمرکی و مالیاتی نظیر فرآیندهای دستی و زمان‌بر ترخیص کالا و ابهام در مالیات بر ارزش افزوده؛ و چهارم، محدودیت‌های ساختاری بورس کالا از جمله دامنه محدود کالاهای قابل معامله و مقررات دست‌وپاگیر عرضه در رینگ صادراتی. در پاسخ به این چالش‌ها، راهبرد اجرایی این پژوهش مبتنی بر یادگیری از طریق اقدام و اجرای گام‌به‌گام پایلوت است. اجرای مدل با یک یا دو کالای راهبردی در یک منطقه آزاد مشخص، ضمن آزمون عملیاتی مکانیزم‌های پیشنهادی، می‌تواند به‌عنوان نقشه راه اصلاحات نهادی کلان به کار گرفته شود و از تبدیل مدل به نظریه‌ای غیرقابل اجرا جلوگیری کند.

این پژوهش همانند هر مطالعه علمی با محدودیت‌هایی مواجه بوده که توجه به آن‌ها برای تعمیم‌دهی نتایج و طراحی تحقیقات آتی ضروری است. نخست، روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) علیرغم مزیت در اولویت‌بندی، از مدل‌سازی روابط متقابل و پویایی‌های غیرخطی میان مؤلفه‌ها ناتوان است. دوم، داده‌های کمی پژوهش مبتنی بر ادراک ذینفعان و پرسشنامه جمع‌آوری شده و از داده‌های سخت تاریخی مانند آمار واقعی معاملات بهره نبرده است. سوم، نمونه کیفی خبرگان با وجود تنوع، نیازمند احتیاط در تعمیم به تمامی ذینفعان است. چهارم، مدل ارائه شده در بافت نهادی و اقتصادی خاص ایران طراحی شده و تعمیم آن به سایر کشورها مستلزم مطالعات تطبیقی و تعدیل مؤلفه‌هاست. پنجم، این پژوهش مقطعی است و آثار بلندمدت و پویایی‌های اجرای مدل را در طول زمان نمی‌سنجد. بر این اساس، پژوهش‌های آتی می‌توانند با به‌کارگیری روش‌های پویاتر مانند مدل‌سازی معادلات ساختاری یا پویایی‌شناسی سیستم، به تحلیل روابط متقابل مؤلفه‌ها بپردازند. همچنین، انجام مطالعه تطبیقی میان مناطق آزاد ایران و کشورهای منتخب منطقه (نظیر امارات و ترکیه) و نیز تحلیل هزینه-فایده اجرای پایلوت پیشنهادی، از جمله مسیرهای پژوهشی ارزشمند برای توسعه ادبیات این حوزه است.

این پژوهش نشان می‌دهد که ساماندهی بازرگانی خارجی ایران از طریق مناطق آزاد، نه در گرو اقدامات جزیره‌ای و مقطعی، بلکه منوط به ایجاد یک سیستم نهادی یکپارچه است که بورس کالا به‌عنوان هسته مرکزی آن، نقش تسهیل‌گری و هم‌افزایی را ایفا می‌کند. مدل پنج‌بعدی ارائه‌شده، چارچوبی همگرا برای بهره‌برداری از پتانسیل‌های مکمل این دو نهاد کلیدی است. اگرچه عمده صادرات غیرنفتی کشور از مناطق غیرآزاد صورت می‌گیرد، این واقعیت نه تنها روایی پژوهش را تضعیف نمی‌کند، بلکه بر اهمیت آن می‌افزاید؛ چرا که مناطق آزاد به دلیل انعطاف‌پذیری نهادی بالاتر، بهترین بستر برای آزمون الگوهای نوین هستند و موفقیت در این بستر می‌تواند به الگوسازی برای توسعه صادرات در کل اقتصاد کشور منجر شود. در نهایت، موفقیت این مدل نه به قوت طراحی مفهومی آن، بلکه به اراده نهادی، ثبات سیاست‌گذاری و عزم برای رفع موانع اجرایی بستگی دارد. این پژوهش گامی به سوی تدوین الگوی بومی توسعه تجاری است که می‌تواند در کنار سایر سیاست‌ها، به ارتقای جایگاه ایران در زنجیره ارزش جهانی کمک نماید.

پیشینه پژوهش

پیشینه خارجی

لازیزاکسون^۱ (۲۰۲۲) روند جهانی شدن، حذف مرزها در ترویج کالاها و خدمات، مرزهای رقابت بین کشورها را نیز از بین می‌برد. اگر کشورهای قبلی در منطقه یا قاره خود رقابت می‌کردند، در شرایطی که جهانی شدن شتاب می‌گیرد، تولیدکنندگان کالا در هر کشوری باید با تولیدکنندگان تقریباً بقیه جهان رقابت کنند. در نتیجه، کشورهای در حال توسعه به شدت تحت تأثیر رقابت کشورهای توسعه یافته هستند. بحران مالی و اقتصادی جهانی رقابت را در سطح جهانی تشدید کرده است و بسیاری از کشورها شروع به دنبال کردن یک سیاست رقابتی تهاجمی تر در مبارزه برای جذب سرمایه خارجی کرده اند.

درمانتو^۲ و همکاران (۲۰۲۱)، تأثیر توافقنامه منطقه آزاد تجاری آسه آن و چین بر کالاهای صادراتی عمده کشتزارهای اندونزی را بررسی نمودند. این مطالعه با هدف تجزیه و تحلیل تأثیر

¹. Lazisaxon

². Darmanto

منطقه آزاد تجاری آسه آن چین بر صادرات عمده کالاهای مزرعه (شامل قهوه، کاکائو، لاستیک و روغن نخل) در اندونزی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که ایجاد تجارت در خصوص کالاهای قهوه، لاستیک و روغن نخل وجود دارد در حالی که انحراف از تجارت در کالای کاکائو وجود دارد. وو^۱ و همکاران (۲۰۲۱) مناطق ویژه اقتصادی را بر نوآوری با استفاده از داده‌های استان‌های چین از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۱ بررسی کردند. نتایج نشان داد که ایجاد مناطق ویژه اقتصادی، نوآوری شهرستان را از نظر درخواست، اعطای و تعداد اسناد اختراعات ارتقا می‌دهد. مناطق ویژه اقتصادی نه تنها نوآوری در زمینه‌های فنی موجود را ترویج می‌کنند، بلکه به طور مداوم زمینه‌های تحقیقاتی جدید را گسترش می‌دهند. مناطق ویژه اقتصادی با ارائه اعتبارات مالیاتی، یارانه‌های فناوری و جذب شرکت‌های بیشتر، نوآوری را ترویج می‌کنند.

دیلوماتیس^۲ (۲۰۲۱)، به بررسی مورد خدمات در مناطق ویژه اقتصادی می‌پردازد و افقی از چشم انداز منطقه ویژه اقتصادی مرتبط با خدمات ارائه می‌دهد. علاوه بر این، مقاله به بررسی انتقادی الگوها، ویژگی‌ها و محدودیت‌های تجارت خدمات مالی در مناطق ویژه اقتصادی می‌پردازد و ارتباط موافقتنامه عمومی تجارت در خدمات را در این مقطع مورد بحث قرار می‌دهد و با بحث در مورد مزایای بالقوه مرتبط با توسعه ناشی از تجارت خدمات مالی در مناطق ویژه اقتصادی به پایان می‌رسد.

چان^۳ (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان اهمیت اقتصادی و استراتژیک توسعه مناطق ویژه اقتصادی در زمینه صنعت دریایی انجام داد. پنج منطقه بندری در یک منطقه آزاد تجاری در چین (هاینان) انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل مؤلفه اصلی برای تعیین اینکه کدام بندر با استفاده از ۱۲ متغیر رقابتی تر است استفاده شد. بنادر بر اساس خروجی SPSS رتبه بندی شدند. نتیجه تحقیق به درک الزامات زیرساخت، سیاست ترجیحی و سایر عواملی که سطح رقابتی یک بندر را تعیین می‌کنند، کمک خواهد کرد که می‌تواند به درک عوامل کلیدی برای توسعه بندر تجاری آزاد هاینان به عنوان یک بندر آزاد در کلاس جهانی در آینده نزدیک کمک کند.

¹. Wu

². Dilemmatic

³. Chan

چیس و جی^۱ (۲۰۲۰) نشان می‌دهند که مناطق ویژه اقتصادی می‌توانند مضر باشند و مشوق‌های مالیاتی اعمال شده در مناطق ویژه اقتصادی ممکن است منجر به فرار مالیاتی شود و شرایط رقابتی بین ایالت‌ها تغییر کند. از سوی دیگر، تغییرات مکرر سیاست‌ها در مناطق ویژه اقتصادی ممکن است منجر به سلب مالکیت غیرمستقیم شود.

گران^۲ (۲۰۲۰) استفاده از سیاست تجاری برای تبعیض بین واردکنندگان انجام داد و بیان نمود که مناطق ویژه اقتصادی یک سیاست مشترک و از نظر اقتصادی مهم است که در سراسر جهان برای کاهش تعرفه کالاها برای تولیدکنندگان منتخب استفاده می‌شود. وی نشان داد که انگیزه این امر ناشی از تمایل سیاستگذاران برای تبعیض بین خریداران، زمانی است که مالیات برای افزایش قیمت‌ها برای فروشندگان، از طریق مکانیسمی متمایز از نظریه‌های موجود مالیات برپینه است.

چنگ^۳ (۲۰۱۹) با تکیه بر تجربه مناطق ویژه اقتصادی در سراسر جهان، به دنبال نشان دادن چگونگی کارکرد مناطق ویژه اقتصادی و نحوه انجام صحیح آن است. به ویژه، تجربه منطقه اداری ویژه هنگ کنگ جمهوری خلق چین می‌تواند بینش مفیدی در این زمینه ارائه دهد. این مقاله همچنین بررسی کرد که چگونه تغییر تجارت جهانی و محیط اقتصادی باعث ایجاد چالش‌ها و فرصت‌های جدید برای توسعه مناطق ویژه اقتصادی شده است، از جمله نوآوری در مکانیسم‌های حل اختلاف، هم‌افزایی با طرح‌های توافقنامه تجارت آزاد، استفاده بیشتر از فناوری مدرن، توسعه الگوی سبز و همکاری و مشارکت بین دولت‌ها و همچنین سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد.

کینیوندو^۴ و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی نقش اثربخشی مناطق ویژه اقتصادی در تانزانیا پرداختند. تلاش‌ها برای ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در تانزانیا در سال ۲۰۰۲ آغاز شد و از طریق ایجاد اداره منطقه پردازش صادرات در سال ۲۰۰۶ افزایش یافت. تعدادی از مناطق دولتی در حال حاضر وجود دارند. با این حال، اطلاعات کمی در مورد میزان موفقیت آنها وجود دارد. هدف این مقاله کمک به پر کردن این شکاف با بررسی نقش مناطق ویژه اقتصادی دولتی در تانزانیا و تمرکز بر درک ماهیت

1. Chase and Je

2. Gerant

3. Change

4. Kinyondo

و میزان تعاملات بین شرکت‌ها و کارکنان آنها در مناطق، میزان تسهیلات مناطق انتقال فناوری، و مزایا و محدودیت‌های درک شده مرتبط با فعالیت در مناطق است.

پیشینه داخلی

دشت‌بانی و همکاران (۱۴۰۱) نقش بورس کالای ایران در رفع موانع تولید جهت نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر اثر مثبت و معنادار حجم معاملات بورس کالا بر رشد ناخالص داخلی بدون نفت می‌باشد. به طوری که با افزایش یک درصدی در حجم معاملات بورس کالا، تولید ناخالص داخلی بدون نفت ۱/۲۱ درصد افزایش خواهد یافت.

امیری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به ارزیابی اثرات تنظیم‌گری بورس کالای ایران بر نوسانات قیمت کالاها پرداختند. بدین منظور، نوسانات قیمت ۲۰ کالایی که در بورس کالا داد و ستد می‌شوند، با ۲۰ کالای خارج از بورس، با استفاده از ضریب تغییرات آنها با روش مچینگ ضریب تمایل مقایسه گردید. طبق نتایج بدست آمده، عرضه محصولات در بورس کالا، موجب افزایش نوسانات قیمت آنها در مقایسه با کالاهای مشابه خارج از بورس گردیده است.

مصطفایی (۱۴۰۰) نقش بورس کالا و مناطق ویژه اقتصادی در توسعه تجارت الکترونیک بین‌المللی مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان داد که این دو نهاد می‌توانند با ارائه زیرساخت‌های مناسب و تسهیلات تجاری، به توسعه تجارت الکترونیک بین‌المللی کمک کنند. حسنی (۱۳۹۹) تأثیر همکاری بین بورس کالا و مناطق آزاد در افزایش صادرات کالاهای صنعتی پرداخته است. نتایج نشان داد که این همکاری می‌تواند به کاهش هزینه‌های معاملاتی و افزایش شفافیت در معاملات کمک کند. این تحقیق شباهت زیادی به موضوع مورد بررسی دارد، زیرا به طور مستقیم به ترکیب بورس کالا و مناطق آزاد می‌پردازد.

امیربیک و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر اشتغال بخش کشاورزی از طریق رفع موانع عرضه محصولات کشاورزی به بورس کالا در استان خراسان رضوی، با استفاده از تکنیک دیمتل فازی در سال ۱۳۹۶ پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که مهمترین موانع عرضه محصولات کشاورزی به بورس، نبود نظام‌های آموزشی جهت افزایش مهارت و آشنایی کشاورزان با بورس، فقدان تشکل‌های کشاورزی منسجم، فسادپذیری کالا، غیریکنواختی کالا (ناهمگن بودن

محصول) نبود قراردادهای متناسب با شرایط تولیدکنندگان و خریداران محصولات کشاورزی و وجود بازارهای موازی مانند میادین میوه و تره بار می‌باشد.

زاگر خواهی فرد و صادقی (۱۳۹۹) به تحلیل حقوقی اقتصادی موانع سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد ایران پرداختند. سرمایه‌گذاری خارجی بالاخص برای کشور ایران یک ضرورت بین‌المللی محسوب می‌شود و حتی کشورهایی که با انباشت سرمایه مواجه هستند.

احمدی (۱۳۹۸) تأثیر بورس کالا بر تسهیل فرآیندهای صادرات کالاهای کشاورزی مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان داد که بورس کالا با افزایش شفافیت در قیمت‌گذاری و کاهش هزینه‌های معاملاتی، می‌تواند به ارتقاء صادرات کالاهای کشاورزی کمک کند. این تحقیق شباهت زیادی به موضوع مورد بررسی دارد، زیرا هر دو به نقش بورس کالا در افزایش تجارت خارجی می‌پردازند.

کریمی (۱۳۹۷) تأثیر مناطق ویژه اقتصادی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان داد که این مناطق با ارائه زیرساخت‌های مناسب و تسهیلات اقتصادی، می‌توانند به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش فعالیت‌های تجاری کمک کنند. این تحقیق نیز به طور غیرمستقیم به نقش مناطق ویژه اقتصادی در بازرگانی خارجی اشاره کرده است.

محمدی و همکاران (۱۳۹۶) تأثیر بورس کالا بر تجارت بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. نتایج نشان داد که بورس کالا می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل تجارت بین‌المللی عمل کند.

ابراهیمی و لطفی (۱۳۹۶) به بررسی نقش و تأثیر مناطق آزاد در اقتصاد ایران با تأکید بر منطقه آزاد چابهار به منظور ارائه مدلی فرا منطقه‌ای برای اقتصاد و سیاست خارجی ایران پرداختند. مناطق آزاد در ایران و به طور خاص منطقه آزاد چابهار با مدیریت هوشمند و آگاهانه و قانونگذاری کارآمد و پیشرفت‌گرا خواهند توانست هم‌زمینه مشارکت ایران را در اقتصاد جهانی از طریق صادرات تولیدات داخل را فراهم آورند.

شیری و تقی‌زاده (۱۳۹۶) جایگاه و اهمیت بازار صادراتی بورس کالای ایران در توسعه صادرات غیرنفتی ایران با استفاده از تکنیک گشتاور تعمیم یافته و با به‌کارگیری داده‌های ماهیانه برای دوره فروردین ماه سال ۱۳۹۰ تا شهریور ماه ۱۳۹۵ را بررسی می‌کند. نتایج حاکی از آن است

که متغیر ارزش مبادلات رینگ صادراتی بورس کالای ایران نقش مثبت معناداری بر ارزش صادرات غیرنفتی ایران داشته است. همچنین تأثیر مثبت و معنادار مبادلات رینگ صادرات بورس کالای ایران بروی صادرات غیرنفتی ایران را تأیید شده است.

با مرور نظام‌مند پیشینه پژوهش، می‌توان دریافت که مطالعات داخلی و بین‌المللی به طور جداگانه به دو رکن اصلی این پژوهش، یعنی بورس کالا و مناطق آزاد و ویژه اقتصادی پرداخته‌اند. تحقیقات جهانی عمدتاً بر نقش این مناطق در جذب سرمایه‌گذاری، توسعه صادرات و انتقال فناوری (مانند وو و همکاران، ۲۰۲۱؛ چنگ، ۲۰۱۹) و همچنین چالش‌های حقوقی و مالیاتی آنان (چیس و جی، ۲۰۲۰) متمرکز بوده‌اند. در مقابل، پژوهش‌های داخلی نیز بیشتر به بررسی تأثیرات بورس کالا بر نوسانات قیمت (امیری و همکاران، ۱۴۰۰) یا نقش مناطق آزاد در توسعه صادرات غیرنفتی (شیری و تقی‌زاده، ۱۳۹۶) پرداخته‌اند.

با این وجود، خلأ پژوهشی آشکاری در تداخل این دو حوزه مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، پژوهشی که به صورت یکپارچه و نظام‌مند، مدلی برای نقش‌آفرینی بورس کالا در ساماندهی بازرگانی خارجی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ارائه دهد، مغفول مانده است. اکثر پژوهش‌های موجود یا کیفی و توصیفی هستند یا صرفاً به رابطه کمی دو متغیر پرداخته‌اند. بنابراین، نوآوری اصلی این پژوهش در تلفیق این دو حوزه و ارائه مدلی عملیاتی و سلسله‌مراتبی است که نه تنها روابط بین عوامل را شناسایی می‌کند، بلکه اولویت و وزن هر یک را در بهبود بازرگانی خارجی مشخص می‌نماید.

ارزش افزوده این تحقیق در استفاده از روش آمیخته (کیفی و کمی) و ترکیب چند روش تحلیل (تحلیل مضمون، مدل‌سازی معادلات ساختاری و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی) است که امکان توسعه مدلی بومی، جامع و قابلیت‌سنجی را فراهم می‌سازد. این مدل می‌تواند به عنوان نقشه‌راه عملیاتی برای سیاست‌گذاران، مدیران مناطق آزاد و فعالان بورس کالا در جهت ساماندهی تجارت خارجی و توسعه پایدار اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای-کاربردی است؛ زیرا علاوه بر توسعه دانش علمی در زمینه ساماندهی بازرگانی خارجی مبتنی بر بورس کالای ایران با تأکید بر نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، نتایج آن می‌تواند در بهبود مدیریت این مناطق و ارتقای کارایی و مشروعیت تصمیم‌گیری‌های تجاری مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، این تحقیق از نوع مطالعات آمیخته با طرح اکتشافی متوالی (کیفی-کمی) است.

در مرحله کیفی، از روش تحلیل مضمون (تماتیک) بر اساس الگوی براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شد. داده‌های این مرحله از طریق ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و متخصصان حوزه‌های بورس کالا، بازرگانی خارجی و مناطق آزاد گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۰ تحلیل گردید. به منظور افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد یافته‌های کیفی، از دو راهبرد بازبینی همکار و بازخورد مشارکت‌کنندگان استفاده شد.

در مرحله کمی، برای آزمون و اعتبارسنجی مدل استخراج‌شده از مرحله کیفی، از روش‌های تحلیل عاملی تأییدی (CFA)، مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) بهره گرفته شد.

تشریح فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) در این پژوهش

فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) با هدف اولویت‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر نقش بورس کالا در ساماندهی بازرگانی خارجی با تأکید بر مناطق آزاد به کار گرفته شد. گام‌های این فرآیند به شرح زیر است:

۱- تعریف هدف و ساختار سلسله‌مراتبی: نخستین گام، تعریف روشن هدف نهایی یعنی اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدل نقش بورس کالا در ساماندهی بازرگانی خارجی است. بر این اساس، ساختار سلسله‌مراتبی مسئله شامل هدف (سطح اول)، معیارهای اصلی (پنج بعد شناسایی شده در مرحله کیفی) و زیرمعیارها (دوازده مؤلفه فرعی) در سطح‌های بعدی تشکیل شد.

۲- تعیین معیارها و گزینه‌ها: معیارهای اصلی و فرعی همان مضامین استخراج‌شده از تحلیل مصاحبه‌ها هستند که مستقیماً با موضوع پژوهش مرتبط می‌باشند. برای نمونه، معیارهایی مانند

شفافیت اطلاعات، توسعه زیرساخت‌های یکپارچه و هماهنگی قوانین و مقررات از جمله مهم‌ترین معیارهای این پژوهش به شمار می‌روند.

۳- انجام مقایسات زوجی: برای تعیین اهمیت نسبی هر معیار، مقایسات زوجی بین آن‌ها توسط همان ۱۵ خبره مرحله کیفی و بر اساس مقیاس نه‌درجه ساعتی (ساعتی، ۱۹۸۰) انجام شد. در این مقایسات، از خبرگان خواسته شد تا اهمیت هر معیار را در مقایسه با معیار دیگر در راستای تحقق هدف اصلی قضاوت کنند. به عنوان نمونه، یک خبره ممکن است شفافیت اطلاعات را در مقایسه با توسعه زیرساخت‌ها دارای اهمیت خیلی زیاد ارزیابی کند.

۴- محاسبه اوزان و بررسی سازگاری: پس از تکمیل ماتریس‌های مقایسه زوجی، اوزان نسبی هر معیار با استفاده از روش بردار ویژه^۱ محاسبه شد. سپس، نرخ ناسازگاری^۲ برای هر ماتریس محاسبه گردید. تمامی قضاوت‌هایی که نرخ ناسازگاری آن‌ها کمتر از ۰/۱ بود، به عنوان قضاوت‌های سازگار پذیرفته شدند و در غیر این صورت، مقایسات توسط خبرگان بازبینی گردید.

۵- ترکیب اوزان و اولویت‌بندی نهایی: در گام نهایی، اوزان بدست آمده برای هر یک از مؤلفه‌ها ترکیب و رتبه‌بندی نهایی انجام شد. این اولویت‌بندی نشان می‌دهد که کدام مؤلفه‌ها دارای بیشترین اهمیت برای تحقق نقش بورس کالا در ساماندهی بازرگانی خارجی با تأکید بر مناطق آزاد هستند و می‌توانند به عنوان محورهای اصلی در تصمیم‌گیری‌های سیاستی و اجرایی مورد توجه قرار گیرند.

جامعه آماری و روش گردآوری داده‌ها

در مرحله کیفی: داده‌های مورد نیاز از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان و متخصصان حوزه‌های بورس کالا، بازرگانی خارجی و مناطق آزاد گردآوری شد. در مرحله کمی: داده‌های کمی مورد نیاز با استفاده از یک پرسشنامه محقق‌ساخته که بر اساس مضامین و مقوله‌های استخراج شده از مرحله کیفی طراحی شده بود، گردآوری گردید.

(الف) چگونگی تلفیق یافته‌های کیفی و کمی (طرح آمیخته اکتشافی متوالی)

¹. Eigenvector Method

². Inconsistency Ratio

این پژوهش از طرح آمیخته اکتشافی متوالی استفاده نموده است. در این طرح، ابتدا مرحله کیفی و سپس مرحله کمی انجام می‌شود و یافته‌های مرحله اول، مبنای گردآوری و تحلیل داده‌ها در مرحله دوم قرار می‌گیرد. روند تلفیق به شرح زیر بود:

۱- فاز کیفی (اکتشاف و مدل‌یابی): در این فاز، با ۱۵ نفر از خیرگان حوزه‌های بورس کالا، بازرگانی خارجی و مناطق آزاد، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. داده‌های حاصل با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. خروجی این مرحله، استخراج ۱۲ مضمون فرعی و ۵ مضمون اصلی بود که چارچوب اولیه و ابعاد مدل نقش بورس کالا در ساماندهی بازرگانی خارجی را تشکیل داد.

به منظور افزایش اعتبار (اعتبار درونی) و قابلیت اعتماد تحلیل کیفی، از دو روش زیر استفاده شد:

الف) بازبینی همکار: خروجی‌های هر مرحله از کدگذاری (کدهای باز، مضامین اولیه و نهایی) توسط دو پژوهشگر آشنا با روش تحلیل مضمون و حوزه موضوعی مستقلانه بررسی شد. در مواردی که اختلاف نظری وجود داشت، با بحث و بازگشت به داده‌های خام، توافق نهایی حاصل گردید.

ب) بازخورد مشارکت‌کنندگان: چکیده‌ای از یافته‌های کیفی (شامل مضامین استخراج شده) برای ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان به صورت انتخابی ارسال و نظرات آنان دریافت شد. این اقدام منجر به اصلاح جزئی در بیان دو مضمون و افزایش همخوانی یافته‌ها با ادراک مشارکت‌کنندگان شد.

جدول ۱. فرآیند کدگذاری و استخراج مضامین در تحلیل مضمون

مرحله	عنوان مرحله	اقدام انجام شده	مثال از داده‌های این پژوهش
۱	آشنایی و کدگذاری اولیه	مطالعه مکرر متن مصاحبه‌ها، یادداشت‌برداری و استخراج کدهای اولیه (کدهای باز)	کد اولیه: لزوم توسعه راه‌آهن و بندر در منطقه آزاد برای صادرات کالاها بورسی
۲	ایجاد مضامین اولیه	دسته‌بندی کدهای اولیه در قالب مفاهیم مرتبط و تشکیل مضامین اولیه (مضمون‌سازی)	مضمون اولیه: زیرساخت‌های حمل‌ونقل
۳	بازنگری و پالایش مضامین	بازبینی مضامین اولیه با مراجعه مجدد به داده‌ها، ادغام مضامین مشابه و تفکیک مضامین ناهمگن	ادغام زیرساخت حمل‌ونقل و سیستم گمرکی در مضمون فرعی: توسعه زیرساخت‌ها
۴	تعریف و نامگذاری نهایی	تعریف واضح هر مضمون، تعیین رابطه سلسله‌مراتبی بین مضامین و نامگذاری نهایی مضامین اصلی و فرعی	مضمون اصلی: نقش بورس کالا در ساماندهی بازرگانی خارجی → مضمون فرعی: توسعه زیرساخت‌ها → مقوله: بهبود حمل‌ونقل

منبع: یافته‌های پژوهش.

در مرحله کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان و متخصصان دارای تجربه و شناخت کافی در حوزه‌های مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری شد. انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع و با رعایت معیارهای شفاف انجام شد تا طیف کاملی از دیدگاه‌های ذی‌نفعان کلیدی پوشش داده شود. جدول زیر ترکیب نمونه، حوزه فعالیت، نهاد مرتبط، سابقه و منطق انتخاب هر گروه از خبرگان را به طور خلاصه نشان می‌دهد.

جدول ۲. ترکیب نمونه خبرگان مصاحبه‌شونده بر اساس حوزه تخصصی، نهاد مرتبط و معیارهای انتخاب

منطق انتخاب	سابقه کاری (میانگین)	تعداد	نهاد/سازمان نمونه‌ها	حوزه تخصصی مرتبط	رده خبرگی
دسترسی به اطلاعات عملیاتی، آگاهی از فرایندهای معاملاتی و چالش‌های بازار	۱۵ سال	۴	بورس کالای ایران، شرکت‌های کارگزاری	بازارهای مالی، معاملات کالا	مدیران بورس کالا
آگاهی از سیاست‌های کلان بازرگانی، رویه‌های	۱۲ سال	۳	وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان توسعه تجارت	تجارت بین‌الملل، مقررات صادرات و واردات	مسئولان بازرگانی خارجی

گمرکی و الزامات تجاری بین‌المللی	
مدیران مناطق آزاد	تجربه مستقیم در جذب سرمایه‌گذاری، توسعه زیرساخت‌ها و ارتباط با بازیگران بین‌المللی در مناطق آزاد
مدیریت و توسعه مناطق ویژه اقتصادی	سازمان‌های مناطق آزاد تجاری-صنعتی (چابهار، کیش، انزلی)
۴ سال	۱۸ سال
داشتن دیدگاه نظری، انتشار مقالات معتبر در حوزه بورس کالا یا مناطق آزاد، و توانایی تحلیل مفهومی پیوند بین دو حوزه	دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علوم اقتصادی
اساتید دانشگاهی و پژوهشگران	اقتصاد بین‌الملل، مالی، مدیریت بازرگانی
۳ سال	۲۰ سال
ارائه دیدگاه کارشناسی مستقل، آشنایی با چارچوب‌های حقوقی جذب سرمایه و حل اختلافات تجاری	دفاتر مشاوره اقتصادی-حقوقی، مراکز پژوهشی خصوصی
مشاوران اقتصادی و حقوقی	سرمایه‌گذاری خارجی، قراردادهای بین‌المللی
۱ سال	۲۲ سال

منبع: یافته‌های پژوهش.

این ترکیب به‌گونه‌ای طراحی شد که همپوشانی متوازی بین سه حوزه اصلی پژوهش، بورس کالا، بازرگانی خارجی، و مناطق آزاد ایجاد شود و از غلبه دیدگاه یک گروه خاص جلوگیری گردد. همچنین، تنوع نهادی (دولتی، نیمه‌دولتی، دانشگاهی، خصوصی) امکان (سه‌سوسازی) داده‌ها و افزایش اعتبار یافته‌های کیفی را فراهم آورد. تمامی شرکت‌کنندگان دارای حداقل ۱۰ سال سابقه مرتبط و مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا بالاتر در رشته‌های اقتصاد، مدیریت، مالی یا حقوق تجارت بین‌الملل بودند.

این معیارها تضمین می‌کنند که داده‌های کیفی از اعتبار و قابلیت اعتماد لازم برخوردار بوده و مدل نهایی از پشتوانه تجربی و نظری غنی بهره‌مند باشد.

۲- فاز تلفیق (ساخت ابزار کمی): مضامین و گزاره‌های مفهومی استخراج شده از فاز کیفی، به گویه‌های پرسشنامه محقق ساخته تبدیل شدند. این پرسشنامه به عنوان ابزار اصلی گردآوری داده‌ها

در فاز کمی مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین، پرسشنامه کمی به طور مستقیم از دل داده‌های کیفی و بومی استخراج شد که از اعتبار محتوایی بالایی برخوردار است.

۳- فاز کمی (آزمون و توسعه مدل): در این فاز، پرسشنامه طراحی شده در بین نمونه‌های گسترده‌تر توزیع گردید. داده‌های کمی با به‌کارگیری تحلیل عاملی تأییدی (CFA) و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) مورد تحلیل قرار گرفتند تا برازش مدل استخراج شده از مرحله کیفی را مورد آزمون قرار دهند. در نهایت، با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، وزن و اولویت هر یک از عوامل و مضمون‌های شناسایی شده در مدل نهایی تعیین گردید. به این ترتیب، یافته‌های کیفی (عمق و غنای مفهومی) توسط یافته‌های کمی (قابلیت تعمیم و سنجش روابط) تکمیل و تقویت شد.

ب) معیارهای انتخاب خبرگان در مرحله کیفی:

انتخاب مشارکت‌کنندگان در مرحله کیفی بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع انجام شد تا طیف جامعی از دیدگاه‌های تخصصی پوشش داده شود. معیارهای اصلی برای انتخاب خبرگان به شرح زیر بود:

۱- سابقه کاری: داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه مدیریتی، مشاوره یا تخصصی در یکی از حوزه‌های بورس کالا، بازرگانی خارجی یا مدیریت و توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی.

۲- مدرک تحصیلی: دارا بودن حداقل مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌های مرتبطی همچون اقتصاد، مدیریت بازرگانی، مالی یا حقوق تجارت بین‌الملل.

۳- موقعیت شغلی: اشتغال در پست‌های کلیدی و تأثیرگذار همچون مدیران ارشد بورس کالا، مسئولان بازرگانی خارجی در وزارت صمت، مدیران عامل یا معاونان مناطق آزاد، اساتید دانشگاهی صاحب نظر و مشاوران ارشد اقتصادی.

۴- دستاوردهای علمی-حرفه‌ای: داشتن سابقه انتشار مقالات علمی، ارائه طرح‌های پژوهشی یا اجرایی موفق در حوزه‌های مرتبط با موضوع پژوهش.

یافته‌ها

این بخش به‌طور جامع یافته‌های حاصل از هر دو فاز کیفی و کمی پژوهش را ارائه می‌دهد. ساختار ارائه به گونه‌ای است که نخست، مضامین و چارچوب مفهومی استخراج‌شده از تحلیل کیفی نشان داده می‌شود. سپس، نتایج کمی مربوط به برازش، روابط ساختاری و اولویت‌بندی نهایی مدل ارائه می‌گردد.

یافته‌های مرحله کیفی: تحلیل مضمون مصاحبه‌ها

در مرحله کیفی تحقیق از روش تحلیل مضمون (تحلیل تم) و در مرحله کمی از روش تحلیل عاملی تأییدی، مدل‌سازی معادلات ساختاری و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) استفاده گردیده است. در روش AHP، پس از تعریف واضح هدف تصمیم‌گیری، معیارهای ارزیابی گزینه‌ها شناسایی و تعریف می‌شوند. سپس مقایسه‌های زوجی بین معیارها برای تعیین اهمیت نسبی آنها انجام می‌پذیرد. یک مقیاس برای ارزیابی میزان اهمیت یک معیار در مقایسه با معیار دیگر استفاده می‌شود. نتایج مقایسه زوجی برای ایجاد یک ساختار سلسله مراتبی از مسئله تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. هدف در بالای صفحه قرار می‌گیرد و به دنبال آن، معیارها و سپس گزینه‌های جایگزین قرار می‌گیرد. سپس تصمیم‌گیرنده با استفاده از مقایسه‌های زوجی، هر گزینه را بر اساس معیارها ارزیابی می‌کند. نتایج مقایسه زوجی و ارزیابی جایگزین‌ها به صورت ریاضی برای محاسبه وزن هر معیار و جایگزین ترکیب می‌شوند. تحلیل سلسله مراتبی (AHP) همچنین سازگاری در فرآیند تصمیم‌گیری را بررسی می‌کند. مرحله نهایی شامل ترکیب نتایج برای تصمیم‌گیری است. وزن‌های بدست آمده برای هر گزینه، جهت رتبه‌بندی آنها به ترتیب اولویت استفاده می‌شود.

در این مطالعه، ۱۵ نفر از خبرگان در حوزه نقش بورس کالای ایران در ساماندهی بازرگانی خارجی و تأثیر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی مورد مصاحبه قرار گرفتند. از نظر جنسیتی، اکثریت مصاحبه‌شوندگان را مردان تشکیل می‌دهند (۶۶/۶۷ درصد) و ۳۳/۳۳ درصد نیز زن هستند. در خصوص گروه سنی، بیشترین درصد خبرگان (۴۰ درصد) در بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال قرار دارند، در حالی که ۳۳/۳۳ درصد در بازه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲۶/۶۷ درصد نیز بین ۵۱ تا ۶۰ سال هستند. از نظر مدرک تحصیلی، بیشتر مصاحبه‌شوندگان دارای مدرک کارشناسی ارشد (۵۳/۳۳)

درصد) و دکترا (۲۶/۶۷ درصد) هستند، در حالی که ۲۰ درصد از آنها تنها دارای مدرک کارشناسی هستند. در رابطه با سابقه کاری، ۳۳/۳۳ درصد خبرگان کمتر از ۱۰ سال سابقه کاری داشته‌اند، ۴۰٪ سابقه کاری ۱۰ تا ۲۰ سال و ۲۶/۶۷ درصد بیشتر از ۲۰ سال سابقه دارند. همچنین، از نظر موقعیت شغلی، ۴۶/۶۷ درصد از خبرگان متخصص در حوزه‌های مختلف بوده و ۳۳/۳۳ درصد مدیران اجرایی و ۲۰ درصد مشاوران در این پروژه مشارکت داشتند.

جدول ۳. آمار توصیفی ویژگی‌های خبرگان (مصاحبه‌شوندگان)

ویژگی‌ها	تعداد (n=15)	درصد (%)
جنسیت		
مرد	۱۰	۶۶/۶۷
زن	۵	۳۳/۳۳
سن		
۳۰-۴۰ سال	۶	۴۰
۴۱-۵۰ سال	۵	۳۳/۳۳
۵۱-۶۰ سال	۴	۲۶/۶۷
مدرک تحصیلی		
کارشناسی	۳	۲۰
کارشناسی ارشد	۸	۵۳/۳۳
دکترا	۴	۲۶/۶۷
سابقه کاری		
کمتر از ۱۰ سال	۵	۳۳/۳۳
۱۰-۲۰ سال	۶	۴۰
بیشتر از ۲۰ سال	۴	۲۶/۶۷
موقعیت شغلی		
متخصص	۷	۴۶/۶۷
مدیر اجرایی	۵	۳۳/۳۳
مشاور	۳	۲۰

منبع: یافته‌های پژوهش.

نتایج مصاحبه‌ها

با تحلیل محتوای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ خبره و استفاده از روش تحلیل مضمون، شبکه‌ای از مفاهیم و مضامین شکل گرفت. برای پرهیز از شرح مفصل نظرات هر فرد و تمرکز بر اشتراکات و گزاره‌های کلیدی، خلاصه‌ای ساختاریافته از مهم‌ترین دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان

در جدول ۲ ارائه شده است. این دیدگاه‌ها در نهایت به استخراج ۵ مضمون اصلی، ۱۲ مضمون فرعی و ۲۴ مفهوم منجر شد که سنگ‌بنای طراحی مدل اولیه را تشکیل داد.

خلاصه متن مصاحبه شوندگان در جدول ۴ به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۴. خلاصه‌ای از دیدگاه‌های کلیدی خبرگان و مضامین استخراج شده

مضمون اصلی	مضمون فرعی	محور کلیدی بحث (گزاره مشترک اکثر خبرگان)	نمونه‌ای از بیان خبرگان
نقش بورس کالا در ساماندهی بازرگانی خارجی	۱- توسعه زیرساخت‌ها	موفقیت مدل در گرو یکپارچگی زیرساخت‌های فیزیکی (لجستیک، انبار) و دیجیتالی (سامانه‌ها) مناطق آزاد با مکانیزم بورس است.	بدون اتصال سامانه ترخیص گمرک منطقه به سامانه معاملات بورس، این ایده تنها یک نظریه باقی می‌ماند. (خبره ۷)
	۲- تأثیر قوانین و مقررات	ناهماهنگی یا تعارض مقررات حاکم بر بورس کالا و مناطق آزاد، بزرگ‌ترین مانع نهادی و اجرایی پیش‌رو است.	متأسفانه گاهی مقررات بخش‌نامه‌ای یک منطقه آزاد، سازوکارهای تضمین شده در قانون بازار سرمایه را خنثی می‌کند. (خبره ۱۱)
	۳- نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی	مناطق آزاد می‌توانند با استفاده از مشوق‌های خود، به عنوان پایلوت و جاذب اولین سرمایه‌گذاران خارجی برای معاملات بورسی عمل کنند.	منطقه آزاد باید ویرتینی از قابلیت‌های کل کشور باشد. بورس می‌تواند یکی از مدرن‌ترین محصولات این ویرتین باشد. (خبره ۳)
نقش بورس کالا در جذب سرمایه‌های خارجی	۴- معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری	بورس کالا با تبدیل کالا به یک دارایی استاندارد و نقدشونده، جذابیت آن برای سرمایه‌گذار نهادی خارجی را افزایش می‌دهد.	سرمایه‌گذار خارجی به دنبال شفافیت و قابلیت خروج است. بورس این دو را همزمان فراهم می‌کند. (خبره ۱۴)
	۵- شفافیت اطلاعات	دسترسی برابر و به‌موقع به اطلاعات، مهم‌ترین پیش‌نیاز جلب اعتماد سرمایه‌گذاران بین‌المللی است.	اگر قیمت‌ها در بورس شفاف باشد، ریسک کشور ما در ذهن سرمایه‌گذار پایین می‌آید. (خبره ۹)
نقش بورس کالا در شفافیت بازار	۶- کنترل و نظارت	سازوکار نظارتی بورس، امکان رصد و کاهش فساد و رانت در فرآیندهای صادراتی را فراهم می‌کند.	هرجا معامله از کانال غیرشفاف خارج شود، فسادزاست. بورس همه چیز را در معرض دید می‌گذارد. (خبره ۸)
نقش بورس کالا در گسترش روابط تجاری بین‌المللی	۷- تسهیل روابط خارجی	بورس به عنوان یک پلتفرم معتبر بین‌المللی، هزینه‌های جست‌وجو و اعتمادسازی برای یافتن شریک تجاری را کاهش می‌دهد.	یک بازرگان خارجی ترجیح می‌دهد به جای مذاکره با ده شرکت، از یک پنجره مطمئن مثل بورس خرید کند. (خبره ۱۲)

نقش بورس کالا در ایجاد انگیزه برای تولید داخل	۸-حمایت از تولید داخلی	کشف قیمت عادلانه در بورس و پیش‌خرید محصول، امنیت و انگیزه مالی لازم برای توسعه تولید را در واحدهای مستقر در مناطق آزاد ایجاد می‌کند.	وقتی تولیدکننده بداند محصولش را با قیمت منصفانه و در زمان مشخص می‌فروشد، با اطمینان بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کند. (خبره ۵)
---	---------------------------	--	---

منبع: یافته‌های پژوهش.

از آنجا که مقدار شاخص KMO، بیشتر از $0/6$ می‌باشد؛ تعداد نمونه آماری برای تحلیل عاملی کافی است. همچنین مقدار سطح معنی داری آزمون بارتلت کمتر از $0/05$ درصد است که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار، مدل عاملی مناسب است.

حال برای بررسی مدل از تحلیل عاملی استفاده شد در این مرحله عوامل موثر بر نقش بورس کالای ایران در ساماندهی بازرگانی خارجی با تأکید بر نقش مناطق آزاد و ویژه ی اقتصادی بعد از تحلیل عاملی مرحله اول مشخص شد که تمامی بار عاملی مضامین بیشتر از $0/3$ بدست آمد پس تمامی مضامین مورد تأیید می‌باشند.

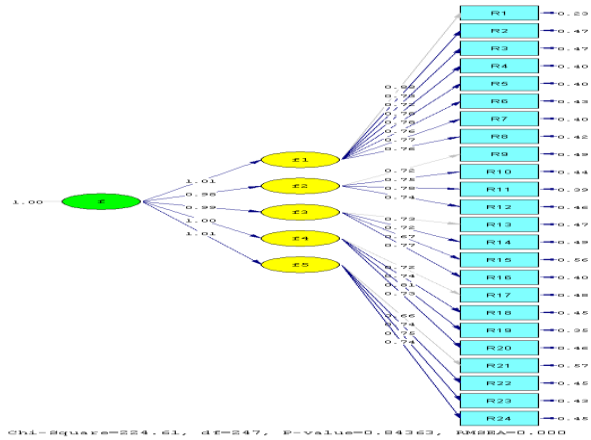
جدول ۵. عوامل موثر بر نقش بورس کالای ایران در ساماندهی بازرگانی خارجی با تأکید بر نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

بار عاملی	مقولات	مضمون فرعی	مضمون اصلی
$0/33$	بهبود حمل و نقل		
$0/47$	ایجاد دسترسی آسان	توسعه زیرساخت‌ها	
$0/47$	افزایش کارایی سیستم‌های گمرکی		نقش بورس کالا در ساماندهی بازرگانی خارجی
$0/40$	هماهنگی با مقررات	تأثیر قوانین و مقررات	
$0/40$	تسهیل فرآیندها		
$0/43$	مزیت‌های اقتصادی	نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی	
$0/40$	جذب سرمایه‌گذاران		
$0/42$	افزایش صادرات		
$0/49$	تبلیغ و جذب سرمایه‌گذاران	معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری	نقش بورس کالا در جذب سرمایه‌های خارجی
$0/44$	شفافیت در اطلاعات مالی		
$0/39$	کاهش ریسک سرمایه‌گذاری		
$0/46$	حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی	تأثیر نهادهای دولتی و خصوصی	
$0/47$	دسترسی به اطلاعات به‌روز	شفافیت اطلاعات	

۰/۴۹	کاهش تقلب و فساد		نقش بورس کالا در شفافیت بازار
۰/۵۶	کنترل بیشتر بر معاملات	تأثیر نظارت و ارزیابی	
۰/۴۰	بررسی دقیق تر قیمت‌ها		
۰/۴۸	بهبود شرایط تجاری	تسهیل روابط خارجی	نقش بورس کالا در گسترش روابط تجاری بین‌المللی
۰/۴۵	جذب مشتریان خارجی		
۰/۳۵	جذب واردکنندگان خارجی	افزایش تقاضای بین‌المللی	
۰/۴۶	تقویت روابط تجاری منطقه‌ای	تأثیر بر روابط تجاری منطقه‌ای	
۰/۵۷	تخصیص منابع مالی	حمایت از تولید داخلی	نقش بورس کالا در ایجاد انگیزه برای تولید داخل
۰/۴۵	کاهش وابستگی به واردات		
۰/۴۳	کاهش هزینه‌های تولید	تسهیل فرایند تولید و فروش	
۰/۴۵	رقابت‌پذیری بیشتر در بازار		

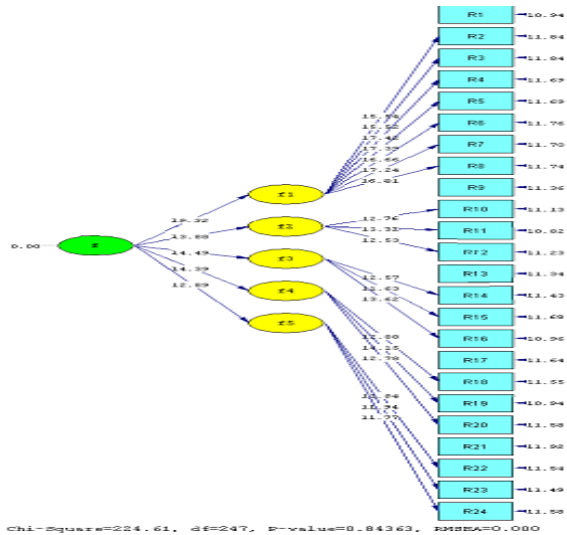
منبع: یافته‌های پژوهش.

با توجه به اینکه مقدار بارهای عاملی تمامی کدهای مفاهیم (به جز مفهوم اول) مربوطه از ۰/۳ بیشتر است (جدول ۵) و همچنین میزان میانگین واریانس‌های استخراجی هر مفهوم نیز بزرگتر از ۰/۵ است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که شاخص‌های ارائه شده بخوبی مفاهیم بورس کالای ایران در ساماندهی بازرگانی خارجی با تأکید بر نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در مدارس را سنجیده و مدل دارای روایی همگرا است. حال تأیید مدل ساختاری از تحلیل عاملی مرتبه دوم استفاده شد (شکل ۱):



شکل ۱. مدل نقش بورس کالای ایران در ساماندهی بازرگانی خارجی با تأکید بر نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی: در حالت تخمین استاندارد مرتبه دوم منبع: یافته‌های پژوهش.

بنا به آماره t (شکل ۲) و بارهای عاملی و مدل بدست آمده به صورت شکل ۲ مورد تأیید است:



شکل ۲. مقدار آماره t مدل نقش بورس کالای ایران در ساماندهی بازرگانی خارجی با تأکید بر نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در حالت تخمین استاندارد مرتبه دوم منبع: یافته‌های پژوهش.

شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهند که مدل پیشنهادی به خوبی با داده‌ها تطابق دارد. به طور خاص، مقدار NFI معادل ۰/۹۹، PNFI برابر ۰/۸۹، GFI برابر ۰/۹۴ و AGFI برابر ۰/۹۳ است که همه این‌ها نشان‌دهنده برازش بسیار خوب مدل هستند. همچنین، PGFI برابر ۰/۷۷ و RMSEA برابر ۰/۱۴ گزارش شده است که هر دو نشان‌دهنده اینکه مدل با داده‌ها به طور مناسبی تطابق دارد و خطاهای مدل بسیار کم است. به طور کلی، این نتایج نشان می‌دهند که مدل از دقت بالایی برخوردار است.

یافته‌های مرحله کمی: آزمون و توسعه مدل

برای سنجش و توسعه مدل اولیه حاصل از فاز کیفی، از روش‌های کمی شامل تحلیل عاملی تأییدی (CFA)، مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده شد.

۱- تحلیل عاملی تأییدی و برازش مدل اندازه‌گیری

پس از طراحی و توزیع پرسشنامه مبتنی بر مضامین کیفی، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت. بارهای عاملی استاندارد شده تمامی گویه‌های مربوط به ۱۲ مضمون فرعی، مقداری بالاتر از آستانه ۰/۵ داشت که نشان‌دهنده روایی همگرایی مناسب مدل اندازه‌گیری است. شاخص‌های برازش مدل نیز حاکی از پذیرش آن بودند:

جدول ۶. نتایج تحلیل عاملی تأییدی (CFA) و شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری

بخش / شاخص	نتیجه / مقدار	تفسیر و توضیح
بارهای عاملی استاندارد	تمامی گویه‌ها بزرگتر از ۰/۵	نشان‌دهنده روایی همگرایی مناسب مدل؛ تمام گویه‌ها به خوبی با مضامین فرعی مرتبط هستند.
χ^2/df	۲/۱۸	مقدار کمتر از ۳ نشان‌دهنده برازش خوب مدل است.
RMSEA	۰/۰۵۴	مقدار کمتر از ۰/۰۸ نشان‌دهنده برازش قابل قبول است.
CFI	۰/۹۴	مقدار بیشتر از ۰/۹۰ نشان‌دهنده برازش خوب مدل است.
TLI	۰/۹۳	مقدار بیشتر از ۰/۹۰ نشان‌دهنده برازش مطلوب است.
GFI	۰/۹۱	مقدار نزدیک به ۱ نشان‌دهنده تطابق خوب مدل با داده‌هاست.
نتیجه کلی	تمام شاخص‌ها در حد مطلوب	ساختار عاملی شناسایی شده در مرحله کیفی تأیید شد.

منبع: یافته‌های پژوهش.

این جدول به‌طور خلاصه و ساختاریافته نشان می‌دهد که:

- مدل اندازه‌گیری از روایی همگرایی مناسبی برخوردار است.
- شاخص‌های برازش مدل (χ^2/df ، RMSEA، CFI، TLI، GFI) همگی در محدوده قابل قبول تا خوب قرار دارند.
- یافته‌های کمی، صحت ساختار عاملی استخراج‌شده از مرحله کیفی را تأیید می‌کنند.

۲- نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)

برای آزمون روابط ساختاری بین ابعاد مدل، از SEM استفاده شد. شکل ۱ مدل نهایی با ضرایب مسیر استانداردشده را نشان می‌دهد. همه روابط فرضیه‌شده بین ابعاد پنج‌گانه مدل معنادار بودند (مقدار $t > 1/96$). قوی‌ترین رابطه مسیر مستقیم، بین بُعد نقش بورس در شفافیت بازار و بُعد نقش بورس در ساماندهی بازرگانی خارجی بود ($\beta = 0/79$ ، $p < 0/01$). این یافته کمی، تأکید کیفی خبرگان بر محوریت شفافیت را تأیید می‌کند. شاخص‌های برازش کل مدل ساختاری نیز مطلوب بودند ($RMSEA = 0/057$ ، $CFI = 0/93$) که نشان می‌دهد مدل پیشنهادی با داده‌های میدانی سازگاری دارد.

۳- اولویت‌بندی مؤلفه‌های کلیدی با روش AHP

در نهایت، برای تعیین وزن و اولویت نهایی مؤلفه‌های مدل در راستای اجرا و سیاست‌گذاری، از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده شد. ماتریس مقایسات زوجی توسط همان ۱۵ خبره مرحله کیفی تکمیل و با نرم‌افزار Expert Choice تحلیل گردید. نرخ ناسازگاری تمام قضاوت‌ها کمتر از ۰/۱ بود که نشان‌دهنده سازگاری قابل قبول است. وزن نهایی و اولویت مؤلفه‌ها در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. وزن و اولویت مؤلفه‌های مدل نهایی بر اساس فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)

رتبه	مؤلفه کلیدی (مضمون فرعی)	وزن نهایی	اولویت استراتژیک
۱	شفافیت اطلاعات (زیرمجموعه «جذب سرمایه» و «شفافیت بازار»)	۰/۴۹	اولویت فوری و بسیار بالا
۲	توسعه زیرساخت‌های یکپارچه (زیرمجموعه «ساماندهی بازرگانی»)	۰/۲۳	اولویت بالا (پیش‌نیاز زیرساختی)
۳	هماهنگی و اصلاح قوانین و مقررات (زیرمجموعه «ساماندهی بازرگانی»)	۰/۱۲	اولویت متوسط (رافع موانع نهادی)
۴	بازتعریف نقش و مکانیزم رینگ صادراتی بورس	۰/۰۹	اولویت متوسط (اصلاح ابزار اجرایی)
۵	جذب سرمایه‌گذاری خارجی هدفمند	۰/۰۷	اولویت تکمیلی (خروجی مدل)
	مجموع	۱/۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش.

مدل نهایی یکپارچه تحقیق

با تلفیق یافته‌های کیفی و کمی، مدل نهایی پژوهش طراحی و اعتبارسنجی شد. این مدل، چارچوبی یکپارچه و سلسله‌مراتبی است که در ۵ بُعد اصلی و ۱۲ مؤلفه (مطابق جدول ۱) سازماندهی شده است. یافته کلیدی این است که نقش محوری بورس کالا در این مدل، ایجاد بستر یکپارچه‌ساز و تسهیل‌گر است. به بیان دیگر، بورس کالا نه به عنوان یک محرک مستقل، بلکه به عنوان یک سکوی نهادی عمل می‌کند که با مکانیسم‌های شفافیت، استانداردسازی و تضمین معامله، امکان تحقق کارآمد سایر الزامات کلیدی (مانند زیرساخت، قوانین و جذب سرمایه) را در بوم‌اکوسیستم مناطق آزاد فراهم می‌سازد. اولویت وزن‌دار مؤلفه‌ها در جدول ۲، نقشه راهی عملیاتی برای تخصیص منابع و تدوین سیاست‌ها در جهت اجرای این مدل ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این پژوهش با هدف ارائه و اعتبارسنجی یک مدل یکپارچه برای تبیین نقش بورس کالای ایران در ساماندهی بازرگانی خارجی، با تأکید ویژه بر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، انجام شد. مدل نهایی پژوهش که در قالب پنج بُعد اصلی (ساماندهی بازرگانی خارجی، جذب سرمایه، شفافیت بازار،

گسترش روابط تجاری بین‌المللی و انگیزش تولید داخل) و دوازده مؤلفه طراحی و تأیید شد، نشان می‌دهد که تقویت تجارت خارجی نه از طریق تمرکز صرف بر یک نهاد (بورس کالا یا منطقه آزاد)، بلکه در گرو ایجاد یک سیستم نهادی یکپارچه است. در این چارچوب، بورس کالا نه به عنوان یک محرک مستقل و مستقیم صادرات، بلکه در نقش یک بستر تسهیل‌گر و یکپارچه‌ساز عمل می‌کند که با مکانیسم‌های نهادی خود نظیر شفافیت‌سازی، استانداردسازی و تضمین معاملات امکان تحقق کارآمد و مقیاس‌پذیر سایر الزامات کلیدی را در اکوسیستم مناطق آزاد فراهم می‌آورد.

نتایج حاصل از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، اولویت‌های اجرایی این مدل را به وضوح مشخص کرد. شفافیت اطلاعات با وزن ۰/۴۹ به عنوان مهم‌ترین مؤلفه شناسایی شد، که حاکی از مزیت رقابتی فناوری محور و نرم‌افزاری مدل پیشنهادی است. این یافته بر این نکته تأکید دارد که اقدامات فوری در جهت راه‌اندازی سامانه‌های یکپارچه اطلاعاتی و شفافیت قیمت‌ها، حتی پیش از تکمیل پروژه‌های بزرگ زیرساختی، می‌تواند جریان اعتماد و سرمایه اولیه را ایجاد کند. توسعه زیرساخت‌های یکپارچه با وزن ۰/۲۳ در رتبه بعدی قرار گرفت که نشان‌دهنده اهمیت پیوند هوشمند زیرساخت‌های فیزیکی و لجستیکی مناطق آزاد با مکانیسم‌های دیجیتال و اطلاعاتی بورس کالا است. اولویت‌های بعدی به ترتیب شامل هماهنگی و اصلاح قوانین و مقررات (وزن ۰/۱۲)، بازتعریف نقش رینگ صادراتی بورس (وزن ۰/۰۹) و جذب سرمایه‌گذاری خارجی هدفمند (وزن ۰/۰۷) بودند.

یافته‌های این پژوهش از چند جهت با ادبیات موضوع همسو و آن را توسعه می‌دهد. تأکید بر شفافیت و زیرساخت‌های کارآمد، همخوان با مطالعات بین‌المللی مانند چنگ (۲۰۱۹) است، و شناسایی چالش‌های نهادی و مقرراتی، هشدار پژوهش‌هایی مانند چیس و جی (۲۰۲۰) را در بافت ایران تأیید می‌کند. در سطح داخلی، این تحقیق یافته‌های مطالعاتی که رابطه مثبت بورس کالا و صادرات را نشان داده‌اند (مانند شیرینی و تقی‌زاده، ۱۳۹۶) را با تشریح مکانیسم این ارتباط (از طریق یکپارچه‌سازی با مناطق آزاد) و ارائه ساختاری عملیاتی (مدل پنج‌بعدی) تکمیل می‌کند. بدین ترتیب، این پژوهش به شکاف شناسایی‌شده در پیشینه یعنی نبود یک مدل یکپارچه برای تعامل نظام‌مند بورس کالا و مناطق آزاد پاسخ می‌دهد.

دلالت‌های سیاستی و اجرایی این پژوهش را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

۱- تقویت همکاری نهادی: تشکیل کارگروه مشترک و دائمی بین سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان‌های مناطق آزاد برای هماهنگی در استانداردها، مقررات و ایجاد کریدورهای لجستیک یکپارچه.

۲- اصلاحات مقرراتی و فرآیندی: بازنگری فوری در قوانین و بخشنامه‌های متعارض بین حوزه بازار سرمایه و مناطق آزاد، و الکترونیکی کردن کامل و یکپارچه فرآیندهای گمرکی مرتبط با معاملات بورسی.

۳- توسعه زیرساخت دیجیتال: راه‌اندازی سامانه یکپارچه اطلاعاتی که داده‌های عرضه و تقاضای بورس، موجودی انبارها و وضعیت ترانزیت در مناطق آزاد را به صورت شفاف و برخط ارائه دهد.

۴- اجرای پایلوت و آموزش: آغاز اجرای مدل به صورت پایلوت با تمرکز بر یک یا دو کالای راهبردی (مانند پتروشیمی) در یک منطقه آزاد پیشرو (مانند چابهار)، همراه با تدوین راهنما و برگزاری دوره‌های آموزشی برای ذی‌نفعان.

۵- بازاربایی هدفمند: طراحی کمپین‌های تبلیغاتی برای معرفی ظرفیت‌های ترکیبی بورس کالا و مناطق آزاد ایران به بازرگانان و سرمایه‌گذاران هدف در کشورهای همسایه و منطقه.

با این حال، کاربست این مدل با ملاحظات و محدودیت‌هایی در بافت ایران روبروست که باید در فاز اجرا مورد توجه قرار گیرند. مهم‌ترین این چالش‌ها شامل تعارضات مقرراتی بین قوانین حاکم بر بورس و مناطق آزاد، تعدد دستگاه‌های تصمیم‌گیر و نبود مکانیسم حکمرانی یکپارچه، پیچیدگی‌های فرآیندهای گمرکی و مالیاتی، و محدودیت دامنه کالاهای قابل معامله در رینگ صادراتی بورس است. موفقیت مدل مشروط به عزم نهادی برای رفع این موانع و بازتعریف نقش رینگ صادراتی بورس از یک ابزار کنترلی به یک پلتفرم تسهیل‌گر واقعی مبتنی بر عرضه و تقاضاست.

این پژوهش نیز همانند هر مطالعه دیگری دارای محدودیت‌هایی است که تعمیم نتایج را نیازمند احتیاط می‌کند. این محدودیت‌ها شامل ناتوانی ذاتی روش AHP در مدل‌سازی روابط متقابل پیچیده، اتکای داده‌های کمی به ادراکات ذی‌نفعان به جای داده‌های تاریخی سخت، ماهیت مقطعی مطالعه، و طراحی مدل در بافت خاص نهادی ایران می‌شود. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های

آتی با استفاده از روش‌های پویاتر (مانند DEMATEL یا مدل‌سازی سیستم‌های پویا)، به بررسی روابط علی متقابل مؤلفه‌ها بپردازند و اثرات بلندمدت اجرای چنین مدل‌هایی را در قالب مطالعات طولی مورد سنجش قرار دهند.

در جمع‌بندی نهایی، مدل ارائه‌شده چارچوبی همگرا و علمی برای بهره‌برداری از پتانسیل‌های مکمل بورس کالا و مناطق آزاد ایران است. با وجود آن که عمده صادرات غیرنفتی کشور از مناطق غیرآزاد صورت می‌پذیرد، مناطق آزاد به دلیل انعطاف نهادی بالاتر، آزمایشگاه ایده‌آلی برای آزمون و ارتقای این الگو محسوب می‌شوند. موفقیت در این بستر می‌تواند اثر نامیسی ایجاد کرده و راه را برای تعمیم اصول و مکانیسم‌های کارآمد به کل اقتصاد ایران هموار سازد. تحقق این چشم‌انداز، علاوه بر قوت مدل مفهومی، در گرو اراده نهادی، ثبات سیاست‌گذاری و عزم جزم برای رفع موانع اجرایی است.

پیشنهادات کاربردی و سیاستی

- ۱- تقویت همکاری نهادی بین بورس کالا و مناطق آزاد: تشکیل کارگروه مشترک و دائمی بین بورس کالای ایران و سازمان‌های مدیریت‌کننده مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای هماهنگی در زمینه استانداردسازی کالاها، تسهیل مقررات و ایجاد کریدورهای لجستیک یکپارچه.
- ۲- اصلاحات ساختاری در فرآیندهای گمرکی و ارزی: بازنگری و ساده‌سازی فرآیندهای گمرکی و ارزی در مبادی مناطق آزاد با اولویت‌بندی کالاهای قابل معامله در بورس، به منظور کاهش زمان و هزینه ترخیص.
- ۳- توسعه بازارهای منطقه‌ای با تمرکز بر مزیت‌های مناطق آزاد: طراحی و اجرای کمپین‌های هدفمند تبلیغاتی برای معرفی ظرفیت‌های بورس کالا و مزایای مناطق آزاد ایران به بازرگانان و سرمایه‌گذاران کشورهای همسایه و حوزه اکو.
- ۴- جذب هدفمند سرمایه‌گذاری خارجی با استفاده از بستر بورس کالا: تدوین «راهنمای سرمایه‌گذاری در بورس کالا از طریق مناطق آزاد» به زبان‌های مختلف و ارائه تضمین‌ها و مشوق‌های مالی شفاف برای پروژه‌های صادرات‌محور.

۵- ارتقای زیرساخت فناوری اطلاعات برای شفافیت و کارایی: توسعه و راهاندازی یک سامانه یکپارچه اطلاعاتی که داده‌های مربوط به عرضه و تقاضای بورس کالا، موجودی انبارها در مناطق آزاد و وضعیت ترانزیت کالا را به صورت شفاف و برخط در اختیار تمام ذینفعان قرار دهد.

منابع

- ابراهیمی، محمد، و لطفی، علی. (۱۳۹۶). بررسی نقش و تأثیر مناطق آزاد در اقتصاد ایران با تأکید بر منطقه آزاد چابهار به منظور ارائه مدلی فرا منطقه‌ای برای اقتصاد و سیاست خارجی ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی، ۲۰(۷۵)، ۷ - ۳۶. قابل دسترسی از <https://rahbord.csr.ir/>
- احمدی، احمد. (۱۳۹۸). تأثیر بورس کالا بر تسهیل فرآیندهای صادرات کالاهای کشاورزی. مجله مطالعات بازرگانی، ۱۵(۲)، ۱۲۵ - ۱۴۵. قابل دسترسی از <https://basu.ac.ir/~bs-journal>
- امیریگ، حامد، رضایی، مهدی، و کریمی، علی. (۱۳۹۹). تأثیر اشتغال بخش کشاورزی از طریق رفع موانع عرضه محصولات کشاورزی به بورس کالا مورد مطالعه: استان خراسان رضوی با استفاده از تکنیک دیمتل فازی. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۱۲(۴)، ۱۸۵ - ۲۰۶. قابل دسترسی از <https://www.iaej.ir>
- امیری، حسین، مبینی دهکردی، محسن، کمالیان، علیرضا، و کرنامی حقیقی، مهدی. (۱۴۰۰). بررسی اثرات تنظیم‌گری بورس کالای ایران بر نوسانات قیمت کالاهای پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۱(۱)، ۱۸۳ - ۲۱۲. قابل دسترسی از <https://ijer.atu.ac.ir/>
- حسینی، سعید. (۱۳۹۹). تأثیر همکاری بین بورس کالا و مناطق آزاد در افزایش صادرات کالاهای صنعتی. نشریه اقتصادی، ۲۵(۳)، ۹۵ - ۱۱۵. قابل دسترسی از <https://econ.news.ac.ir/>
- دشت‌بانی، مهدی، محمدی، رضا، و نجفی، بهزاد. (۱۴۰۱). نقش بورس کالای ایران در رفع موانع تولید جهت نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی. فصلنامه علمی اقتصاد مقاومتی، ۳(۹)، ۵۵ - ۷۸. قابل دسترسی از <https://eghtesad-moghavemati.ir/>
- زاگرخواهی فرد، مهدی، و صادقی، مجید. (۱۳۹۹). تحلیل حقوقی-اقتصادی موانع سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد ایران. فصلنامه مطالعات حقوقی و اقتصادی، ۲(۱)، ۲۳ - ۴۵. قابل دسترسی از <https://journals.ut.ac.ir/journals/page/79/fa>

شیری، علی، و تقی‌زاده، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی جایگاه و اهمیت بازار صادراتی بورس کالای ایران در توسعه صادرات غیرنفتی ایران با استفاده از تکنیک گشتاور تعمیم یافته. *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*، ۲۲(۸۶)، ۱ - ۲۵. قابل دسترسی از <http://barresybazargani.itsr.ir/>.

کریمی، فرهاد. (۱۳۹۷). تأثیر مناطق ویژه اقتصادی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی. *مجله چشم‌انداز مدیریت اقتصادی*، ۸(۲۹)، ۱۰۳ - ۱۲۴. قابل دسترسی از <https://jem.journals.umz.ac.ir/>.

محمدی، جعفر، احمدی، نادر، و رضوی، سعید. (۱۳۹۶). تأثیر بورس کالا بر تجارت بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات توسعه اقتصادی*، ۷(۱)، ۱۷۱ - ۱۹۲. قابل دسترسی از <https://jeds.ut.ac.ir/>.

مصطفایی، مهدی. (۱۴۰۰). نقش بورس کالا و مناطق ویژه اقتصادی در توسعه تجارت الکترونیک بین‌المللی. *فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم اقتصادی*، ۲(۴)، ۸۹ - ۱۰۸. قابل دسترسی از <https://jec.irandoc.ac.ir/>.

هرورانی، حسن، ثاقب، حمید، و عزیززاد، صادق. (۱۴۰۱). معرفی و تحلیل برخی شاخص‌های حوزه بازرگانی خارجی ایران. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. قابل دسترسی از <https://rc.majlis>.

References

- Abendin, S., & Duan, P. (2021). International trade and economic growth in Africa: The role of the digital economy. *Cogent Economics & Finance*, 9(1), 1911767. Retrieved from <https://doi.org/10.1080/23322039.2021.1911767>.
- Agbo, S. P., Nwachukwu, J., & Tsado, E. (2018). The impact of trade openness on economic growth in Sub-Saharan Africa: Evidence from panel data analysis. *Journal of African Business*, 19(2), 143-163. Retrieved from <https://doi.org/10.1080/15228916.2018.1426891>.
- Chan, Y. (2020). Economic and strategic significance of development performance of special economic zones from the perspective of maritime industry. *The Asian Journal of Shipping and Logistics*, 36(4), 171-182.
- Chaisse, J., & Ji, X. (2020). The pervasive problem of special economic zones for international economic law: Tax, investment, and trade issues. *World Trade Review*, 19(4), 567-588. Retrieved from <https://doi.org/10.1017/S1474745620000067>.

Cheng, T. (2019). Special economic zones: A catalyst for international trade and investment in unsettling times? *The Journal of World Investment & Trade*, 20(1), 32–67.

Darmanto, E. B., Handoyo, R. D., & Wibowo, W. (2021). The impact of Asean-China Free Trade Area (ACFTA) agreement on Indonesia's major plantation export commodities. *Business: Theory and Practice*, 22(1), 91–97.

Delimatsis, P. (2021). Financial Services Trade in Special Economic Zones. *Journal of International Economic Law*, 24(2), 277–297.

Grant, M. (2021). Why special economic zones? Using trade policy to discriminate across importers. *American Economic Review*, 111(5), 1540–1571.

Kinyondo, A., Villanger, E., & Ahlers, T. (2016). The effectiveness of special economic zones in Tanzania. *CMI Brief*, 15(7), 1–4. Retrieved from <https://www.cmi.no/publications/6060-the-effectiveness-of-special-economic-zones-in>.

Lazizaxon, S. (2022). The importance of free economic zones in Central Asia. *Texas Journal of Multidisciplinary Studies*, 14, 44–45. Retrieved from <https://zienjournals.com/index.php/tjm/article/view/2921>.

Purnima, P. D., & Yao, M. H. (2019). The relationship between international trade and economic growth. *International Journal of Applied Business Research*, 1(1), 112–123.

Wu, W., Hong, Y., & Zhong, Q. (2021). The effect of special economic zones on innovation: Evidence from China. *Growth and Change*, 52(2), 676–698.